

اشاره

دکتر هادی غنیمی فرد یکی از مسؤولان اتحادیه تعاونیهای تولیدی کشور و رئیس خانه صنعت تهران، به عنوان چهره‌ای شناخته شده در بخش تعاون، همواره سعی در بیان مشکلات فرارو و تبیین راهکارهای منطقی برای توسعه این بخش دارد.

از وی که دارای مدرک تحصیلی دکترای اقتصاد صنعتی از دانشگاه لندن است تاکنون دهها مقاله در مطبوعات کشور به چاپ رسیده است. وی همچنین از جمله شخصیت‌هایی است که همواره در کانون توجه تهیه‌کنندگان برنامه‌های اقتصادی صدا و سیما قرار دارد.

در این شماره به منظور آگاهی از دیدگاه‌های ایشان درباره جنبه‌های گوناگون اجتماعی و اقتصادی نهضت تعاون ایران، گفتگویی انجام داده‌ایم که ماحصل آن در پی از نظر گرامیتان می‌گذرد:

□ با توجه به اینکه تولید یکی از مهمترین شاخص‌های ارزیابی اقتصاد کشور است و تعاونی‌های تولیدی در کشور نقش بسیار مهمی در اقتصاد کشور ایفا کرده و می‌کنند. در ابتدا کمی درباره تولید و تعاونی‌های تولیدی صحبت کنید؟

● آن چیزی که امروز در مملکت ما نیاز اول است، مسأله تولید است. تولید مدتها است که به عنوان مسأله اصلی از چند جهت مورد توجه علمای اقتصاد در کشور ما بوده است. بعد نخستین این مسئله این است که تولید مایحتاج مردم را فراهم می‌کند و زندگی را برای آنها ساده می‌نماید و جامعه با تولید وضع خویش را بهبود می‌بخشد، بطوریکه افراد جامعه که در فرآیند تولید شرکت می‌کنند از لحاظ درآمد سرانه چیزی گیرشان می‌آید و جنبه دیگر آن این است که تولید

اشتغالزایی می‌کند.

یکی از آفتهای جوامع جهان سوم، مسئله بیکاری و عدم اشتغال بخصوص برای جوان است. زیرا علیرغم اینکه عدم اشتغال باعث می‌شود گروهی به اندازه کافی دارایی لازم در اختیارشان نباشد تا زندگی روزانه‌شان را تأمین کنند، نیروهای بیکار را سرگرم کارهای غیرمفید و غیرمطلوب می‌کند، اکثر معضلات اجتماعی مثل اعتیاد، قحاق، دزدی، جیب‌بری و فقر همه از بیکاری بوجود می‌آید و جامعه را دچار مشکل می‌کند. بنابراین تولید همیشه بعنوان یکی از فرآیندهای اولیه رفع نیازهای مردم و ایجاد اشتغال مورد توجه بوده است. لازم به یادآوری است که برای تولید مهمترین مسئله در زمان گذشته زمین بود. البته امروز دنیا فرق کرده و زمین مسأله اصلی نیست. مثلاً برای تولید محصولات کشاورزی به آب و زمین و... بذر نیاز داریم. تمام این وسایل دست به دست هم می‌دهند تا شرایط تولید فراهم آید. یکی دیگر از فرضیه‌هایی که برای تولید در نظر گرفته می‌شود، پول و سرمایه لازم برای ایجاد کار مولد در راه‌اندازی تولید است. این فرضیه تا اندازه‌ای قابل قبول است. چرا که در جهان امروز با پول همه چیز می‌توانیم تهیه کنیم و در اختیار تولیدکننده قرار دهیم، تا فرآیند تولید جریان یابد ولی اینجا مطلب مهم دیگری نیز مدنظر است و آن چنین است که فکر و انگیزه و ایده‌ای برای تولید باید وجود داشته باشد، تا ما برویم سراغ وسایل تولید و وسایل تولید را در اختیار تولیدکننده قرار دهیم و وی را تشویق کنیم تا فکر تولیدی خود را جامعه عمل ببوشاند.

□ با توجه به توضیح جنابعالی، نقش

تعاونی‌ها در فرآیند تولید چیست؟

● از عوامل تولید که ما ذکر کردیم یکی سرمایه است و یکی کار. این دو دست به



بخش تعاون و ابعاد اجتماعی و اقتصادی آن

گفتگو با دکتر هادی

غنیمی فرد؛ رئیس هیأت

مدیره اتحادیه تعاونیهای

تولیدی کشور

○ مهران امیراحمدی

دست هم می‌دهند تا تولید جریان یابد. تعاونی هر دو اینها را در اختیار دارد. تعاونی از سرمایه‌های کوچک می‌تواند سرمایه‌های بزرگ ایجاد کند. چون در تعاونی مسأله استثمار وجود ندارد و عضو تعاونی این احساس را نمی‌کند که دیگران بهره‌کار او را از آن خود می‌کنند. لذا شما به راحتی در تعاونی می‌توانید سرمایه جمع کنید چرا که اعضاء با رضای کامل نیرو و سرمایه خویش را در طبق اخلاص می‌نهند. این بهترین نوع فراهم آوردن سرمایه در دنیا است.

چرا که تولیدکننده خود از وسایل تولید حداکثر بهره را می‌برد.

آن کسی که در تعاونی کار می‌کند احساس می‌نماید که تولید مال خود او است و این یکی از مسائل مهمی است که ما تعاونی‌ها را در دنیای امروز سازمانهای کاراتری تشخیص می‌دهیم البته به شرطی که این مطلب به اعضاء تعاونیها تفهیم بشود. وقتی می‌خواهیم شرکت تعاونی درست کنیم، اسم نامتناجسی را به مردم تحمیل نکنیم که فقط بخواهیم به صورت صوری تعاونی داشته باشیم. در حالیکه نمی‌دانیم آن تعاونی چه نوع کارآیی را دارد.

از این‌رو، گذشته از نیروی کار، تفکر نیز یک نوع کار ذهنی است. چنانچه ما بخواهیم شرکتی را راه‌اندازی کنیم باید بیش از پیش به اندیشه‌های نو و جمعی اتکاء نماییم.

□ از خلال صحبت‌های شما چنین برمی‌آید که تعاونی یک الگوی اقتصادی و اجتماعی است که اخلاق وجه بارز آن است و خواسته‌های جمعی یک اجتماع مهمترین هدف آن می‌باشد. با این اوصاف امروزه علیرغم گذشت دهها سال هنوز یک برداشت و نگرش درستی نسبت به بخش تعاون در جامعه و حتی در بین برخی از مدیران ما وجود ندارد، بطوریکه

در افکار عمومی تعاونی یعنی جنس مصرفی ارزان در حالیکه امروزه تعاونیها در دنیا نقشهای بزرگتری ایفا می‌کنند. چه نظری درباره این موضوع دارید؟

● در کشور ما چون تعاون در زمان جنگ یک رسالت فوق‌العاده مهمی را به عهده گرفت و به دلیل اینکه تعاونیها مسئول توزیع مایحتاج مردم بودند تا مردم کمتر دچار مشکل شوند و با لطف خدا نگذاشتند که عده‌ای معلوم‌الحال با احتکار و سودپرستی، برای مردم مشکل ایجاد کنند، این شائبه پدید آمد که مردم تعاونی را به عنوان توزیع‌کننده کالاهای ارزان درک کنند.

از این‌رو وزارت تعاون باید در این مقوله نقش اساسی را ایفا کند. در واقع موجودیت وزارت تعاون برای شناساندن مفهوم تعاون در جامعه است. متأسفانه در کشور ما مدت‌هاست که ما از درک مفاهیم اساسی زندگی محرومیم، بخصوص کارهای جمعی و اجتماعی در مملکت ما خیلی خریدار نداریم! ما از کودکی زندگی اجتماعی را به کودکانمان یاد نمی‌دهیم. ما باید از همان سنین کودکی زندگی اجتماعی را به کودکان بیاموزیم و به آنها بفهمانیم که کلاس درسی که از آن استفاده می‌کنند یک موهبت و لطفی است که جامعه به او داده است، پس تو باید آماده بشوی تا روزی این موهبت را به جامعه پس بدهی. اینجاست که ما باید مفهوم تعاون را بیش از پیش جدی بگیریم و روی

آن کار کنیم. بنابراین بهترین جا برای آموزش و ترویج تعاون مدارس می‌باشد. شاید لازم باشد روزی یک ساعت درس تعاون به آنها بیاموزیم.

اگرچه در کشور ما برخی با وزارت تعاون سر بی‌مهری دارند ولی وزارت تعاون باید همچنان پابرجا بماند و نگهدارنده پرچم تعاون در کشور باشد. در واقع وزارت تعاون پرچمدار بخش تعاون در کشور است.

ما باید این را به مردم آموزش دهیم که زندگی کردن در شکل تعاونی علاوه بر مزیت‌های ارزان اقتصادی نسبت به بخش خصوصی موجب ثبات و دوام بنیان‌های اجتماعی می‌شود.

□ در تأیید صحبت‌های شما باید عنوان کرد که بزرگترین خبرگزاری دنیا یعنی آسوشیتدپرس به شیوه تعاونی اداره می‌شود و یا یکی از بزرگترین بانکهای اروپا یک مؤسسه تعاونی است. حال شما به عنوان یک اقتصاددان علاقمند به بخش تعاون، چه موانع و مشکلاتی برای این بخش متصورید؟

● آن چیزی که بخش تعاون با آن درگیر است خارج از مشکلات کل مردم نیست. مثلاً دیوانسالاری حاکم بر کشور همانقدر که در سر راه بخش خصوصی وجود دارد در مقابل بخش تعاونی نیز موانعی را ایجاد می‌کند.

مالیاتها و عوارضی که بخش خصوصی با آن درگیر است بخش تعاون نیز از آن صدمه می‌بیند، همچنین تهیه کردن ابزار اولیه و صدها مشکل اینچینی‌گریبانگیر بخش تعاون است. با نگاهی به فعالیت بخش تعاون در بعد از جنگ به نظر می‌رسد امتیازی که برای این بخش در آن دوران در نظر گرفته شده بود، کم‌رنگ شده است و این بخش نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی کشور بیشتر مورد بی‌مهری قرار گرفته است.

اگرچه در کشور ما برخی با وزارت تعاون سر بی‌مهری دارند ولی وزارت تعاون باید همچنان پابرجا بماند و نگهدارنده پرچم تعاون در کشور باشد. در واقع وزارت تعاون پرچمدار بخش تعاون در کشور است.

در حالی که قانون اساسی ما سه بخش مشخص را تعریف کرده که باید این سه بخش را به یک دیده بنگریم. از سوی دیگر نبود نقدینگی و نبودن طراحی مالی و پولی درست در کشور یکی دیگر از معضلات اقتصاد کشور و بخش تعاون است. ما هفت سال در این کشور سیاست انقباضی مالی داریم. ما آمدم اوراق قرضه منتشر کردیم، یعنی پول از دست مردم جمع‌آوری کردیم. بنابراین باید پول بدست آمده را به صورت وام و کمک‌مالی به مؤسسات تولیدی بدهیم تا آنها حرکت کنند. چرا که سرمایه و پول، بنزین کارهای تولیدی است. متأسفانه این کار هم به درستی انجام نشده است! به هر حال سیاست انقباضی باعث شده تا از سال ۱۳۷۳ هر روز رو به سرایشی رویم. این گرفتاری متوجه تمام بخش‌های اقتصادی کشور نیز است.

□ یکی از کارشناسان می‌گفت تا چند سال دیگر اکثر صنایع کوچک و شرکتهای صنعتی ما اگر نوسازی نشوند، تعطیل خواهند شد! با توجه به اینکه تعاونی‌ها نیز جزء صنایع کوچک ما هستند آینده را چگونه می‌بینید؟

● تا وقتی که بشر زنده است، برای باقی ماندن نزار می‌کند. البته اگر همچنان به رباخواری و نزول‌خواری و بهره‌بانکی بالا اتکا کنیم، ظاهراً کار ما به آنجا کشیده خواهد شد. بنابراین در یک کشور زنده باید مسابقه‌ای را بین حرف و صنایع ایجاد کنیم و کارخانه‌ها نیز باید در تولیدات‌شان مزیت‌هایی داشته باشند که رقیبان نداشته باشند اگر این روش جریان پیدا کرد، صنایع کوچک باقی خواهند ماند و در غیر این صورت مضمحل می‌شوند.

این فرصت رقابتی به صاحبان صنایع دستور می‌دهد برای باقی ماندن هر روز فکر کنند و نوسازی کنند. ولی ما فرصت

● **یک ضرب‌المثل انگلیسی است که می‌گوید زندگی کن و اجازه بده تا دیگران زندگی کنند! زیاد بدبین نباشید! اگر کمی به بخش تعاون توجه شود، این بخش از کشور به راه خود ادامه می‌دهد و می‌تواند بسیاری از مشکلات کشور را حل کند. ما باید تعاون را درک کنیم، تعاون فقط اسم شرکت تعاونی نیست شرکت تعاونی یک تجسم تعاونی است که به عینه می‌توان آن را دید و ابعاد اجتماعی آن را حس کرد. ما باید ادبیات تعاون را به مردم آموزش دهیم.**

سرمایه‌گذاری و بهره‌کشی از سرمایه را از دست داده‌ایم. سپرده‌گذاری در بانکها و خرید اوراق مشارکت موجب شده که کمتر در صنعت سرمایه‌گذاری شود. چرا که بانکها بیشتر سود می‌دهند از ایترو صاحبان صنایع بیشتر به سپرده‌گذاری روی می‌آورند. و این سبب می‌شود تا صنایع کوچک بیش از پیش تهدید شوند!

□ اخیراً عنوان می‌شود که صنایع کوچک برای بقای خویش باید در هم ادغام شوند و حتی صحبت از ادغام دو شرکت بزرگ بین‌المللی بهمانند میتسوبیشی و توشیبا است. از طرف دیگر نظریه جهانی

ما باید این را به مردم آموزش دهیم که زندگی کردن به شیوه تعاونی علاوه بر مزیت‌های ارزان اقتصادی نسبت به بخش خصوصی موجب ثبات و دوام بنیان‌های اجتماعی می‌شود.

شدن نیز مطرح است. از این‌رو در این شرایط تعاونیها نیز به عنوان صنایع و مؤسسات کوچک مورد تهدید قرار خواهند گرفت، در این مورد چه نظری دارید؟

● یک ضرب‌المثل انگلیسی است که می‌گوید زندگی کن و اجازه بده تا دیگران زندگی کنند! زیاد بدبین نباشید! اگر کمی به بخش تعاون توجه شود، این بخش از کشور به راه خود ادامه می‌دهد و می‌تواند بسیاری از مشکلات کشور را حل کند. ما باید تعاون را درک کنیم، تعاون فقط اسم شرکت تعاونی نیست شرکت تعاونی است که به عینه می‌توان آن را دید و ابعاد اجتماعی آن را حس کرد. ما باید ادبیات تعاون را به مردم آموزش دهیم.

□ پس شما به ابعاد اجتماعی تعاون برای بقاء بخش تعاون اعتقاد دارید؟

● بله، این ابعاد اجتماعی تعاون است که آن را نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی کشور محبوب‌تر می‌کند. چرا که پول در آوردن در بخش‌های دیگر نیز میسر است و این ابعاد اجتماعی تعاون است که به مردم کم‌درآمد اجازه می‌دهد که مانند مردمان پولدار شرکت‌های عظیم اقتصادی تشکیل دهند. ما باید به مردم بگوییم که مزایایی که در زمان جنگ به مردم داده می‌شد دیگر نمی‌تواند ادامه یابد. ما باید خود را با سایر بخشهای اقتصادی همسان کنیم و باید به مسئولین بگوییم نمی‌خواهیم به ما لطف بکنند فقط بیش از این ما را زجر ندهند! کافی است همانطور که با بخش خصوصی رفتار می‌کنید به ما نیز توجه کنید. به هر حال با کمی التفات آینده‌ای را روشن می‌بینیم.

و اما در اینجا باید یک نکته را یادآوری کنم: مدتها پشت دیوار سفارت آمریکا از قول حضرت امام (ره) نوشته شده بود که «به من خدمتگزار بگویید

فقط استثناءها را مدیریت می‌کند و این صحیح است! به شرط اینکه روند کار طوری باشد که خود به خود کار انجام شود و وسط کار به مشکل برخورد. بهرحال اصلاحاتی باید انجام شود!

□ پس شما به اصلاحات ساختاری اعتقاد دارید؟

● بله. صد در صد. آقای خانمی اصلاحات را می‌شناسد و از آن صحبت می‌کند. پس ساختار اداری را باید طوری اصلاح کرد تا ارباب‌رجوع سریعاً مشکلشان حل شود. نه اینکه این و آن را سر بدوانند!

□ در آخر چه پیشنهادی برای تعاونگران ارائه می‌کنید؟

● اگر من بخواهم نسخه‌ای با تفکر خودم برای مردم بییچم که مردم حرف من را گوش کنند، صحیح نیست. ما باید مردم را به تفکر واداریم. تا خودشان بلد شوند و بنشینند تصمیم بگیرند. این بزرگترین خدمتی است که تعاون می‌تواند به مردم بکند. اگر من الان بگویم این کار را بکنید خوب می‌شود. دفعه بعد هم سراغ دیگری می‌روند. از کجا معلوم که ما قابل باشیم و یا راه‌حل درست دست ما باشد.

مردم باید قبل از آنکه به کسی اعتماد داشته باشند به خودشان اعتماد کنند. اگر ما این را پیدا کردیم کار درست می‌شود. حل کردن معما دست خود تعاونگران است. باید فکر کنیم، اندیشه بورزیم. ملتی که صاحب تفکر شد صاحب زندگی است. من تصور می‌کنم که یک فرصت تاریخی برای ملت ما پیش آمده که با تفکر جمعی کارهایش را حل کند، باید خرد جمعی را جدی بگیریم و براساس آن رفتار نماییم. چرا که تعاون بهترین راه اقتصادی و اجتماعی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی یک کشور است.



احتیاجی نیست تا با وزیر تعاون ملاقات شود!

● بله همین‌طور است. به نظر می‌رسد باید اصلاحاتی در بخش تعاون انجام شود و کار مردم باید به قدری خوب انجام شود که هیچ مشکلی برای ملاقات حتی با مدیران میانی بخش تعاون بوجود نیاید. البته دامنه این اصلاحات باید به تمام ادارات و وزارتخانه‌ها تممیم یابد. چرا که این یک مشکل عمومی است. باید توجه داشته باشیم در دنیا معمول است که مدیر

بهرتر است تا رهبر» این عبارت خیلی بزرگ است چه می‌شد که وزیر محترم به صحبت‌های تک‌تک تعاونگران گوش فرا می‌دهد!

□ البته من به این قسمت از سخنان شما ایراد دارم چرا که بیش از ۱۵ میلیون تعاونگر در کشور وجود دارد و اگر آقای وزیر به هر کدام یک ثانیه وقت بدهد باز نمی‌تواند به حرفهای همه گوش فرادهد. در ثانی اگر مدیران میانی و پرسنل کار خویش را به خوبی انجام دهند دیگر